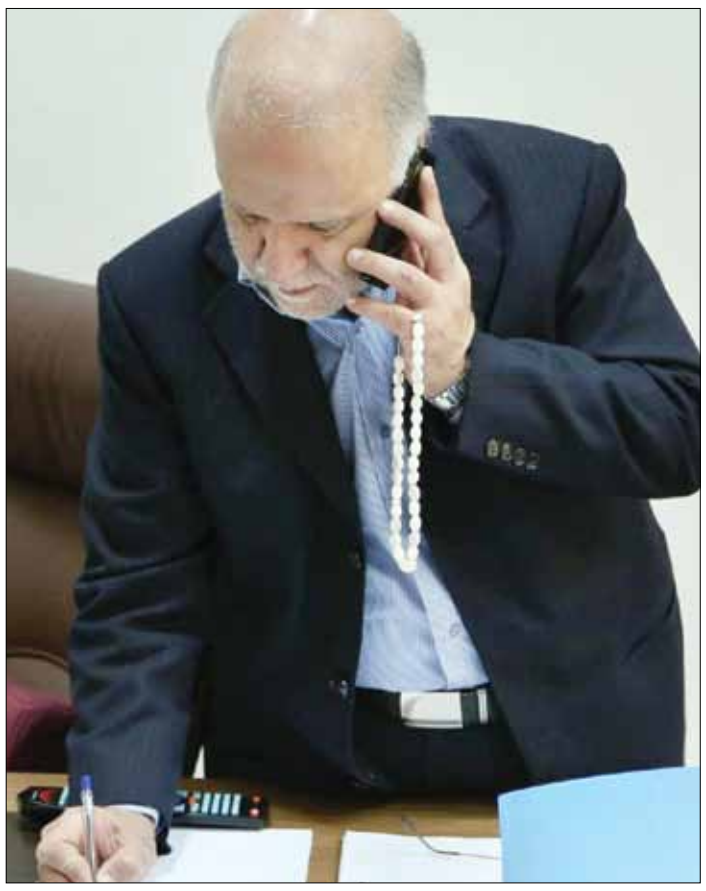

اشکالات وارد بر قراردادهای جدید نفتی

منافع ملت را حراج نکنید!

■ رضا بختیاری ■

شـرایط عمومـی، سـاختار و الگوی قـرارداد بالادسـتی نفت و گاز (قراردادهـای نفتی جدید) که توسـط وزارت نفت تهیه، در مورخ ۱۳۹۴/۷/۸ در هیأت وزیران تصویـب و در مورخ ۱۳۹۴/۸/۱۱ توسط معاون اول محترم رئیس‌جمهوری ابلاغ شده اسـت در تناقض با قوانین بالادسـتی کشور بوده، به دلایل عدیده‌ای منافع ملی کشـورمان را تامین ننموده و برخی بندهای تعبیه‌شده موجبات نقض حاکمیت ملی، حذف توان داخلی و سلطه بیگانگان و سبب تضییع حقوق بیت‌المال و فسادهای کلان را فراهم خواهد آورد.

۱- مالکیت ملی

اتصال فاز بهره‌برداری و تولید به فازهای اکتشاف و توسعه میادین جهت واگذاری ذیل این قراردادها یعنی مشـارکت دادن بخـش خصوصی خارجی و داخلـی در مدیریت، مالکیت و سـرمایه‌گذاری انفال. حـال آنکه مطابق اصل ۴۵ قانون اساسـی، معادن(منابع هیدروکربوری) جزو انفال و ثروت‌های عمومی اسـت و مالکیت آن به کسـی تعلق ندارد و حتـی دولت نیز مالک آن نیسـت بلکه به تعبیر قانون اساسـی جمهوری اسلامی ایران: «در اختیار حکومت اسـلامی اسـت تا بر طبـق مصالح عامه نسـبت به آنها عمل نمایـد». بنابرایـن آیا دولت می‌تواند سـرمایه‌گذاری، مالکیت و مدیریت منابع نفتی را بـه خارجیان واگذار کنـد؟ وزارت نفت با اجـرای قراردادهای جدید نفتی و واگذاری میادین هیدروکربوری کشـور به بخش خصوصی خارجی و داخلی، چگونه خواهد توانسـت به ماده ۲ قانون نفت مصـوب ۱۳۹۰ درباره اعمال حق حاکمیت و مالکیـت عمومی بر منابع مذکـور به نمایندگی از طرف حکومت اسلامی جامه عمل بپوشاند؟

حتی قانون نفت مصوب ۱۳۵۳ تصریح کرده بود اعمال حق مالکیت ملت ایران نسبت به منابع نفتی ایران در زمینه اکتشاف، توسعه، تولید، بهره‌برداری و پخش نفت... منحصرا به عهده شرکت ملی نفت است و بدین سبب به شرکت ملی نفت اجازه داده بود فقط در چارچوب پیمانکاری در اجرای عملیات اکتشاف و توسعه نفت (و نه در تولید و بهره‌برداری) با اشـخاص داخلی یا خارجـی وارد مذاکره و عقد قرارداد شود. حال پس از ۴۰ سال رویکردی حاکم شـده که همه حلقه‌های زنجیره میدان نفتی را به شـرکت‌های خصوصی خارجی و داخلـی واگذار خواهد کرد.

بنـد «پ» مـاده ۳ مصوبـه هیـأت وزیـران «بازپرداخت کلیه هزینه‌های مستقیم، غیرمستقیم، هزینه‌هـای تأمین مالـی و پرداخت دسـتمزد و هزینه‌هـای بهره‌بـرداری طبق قـرارداد از طریق بخشی (حداکثر پنجاه درصد) از محصولات میدان و یـا عواید حاصل از اجرای قـرارداد بر پایه قیمت روز فروش محصول منوط می‌باشـد». این بند نیز حکایت از تعهد به نوعی از مشارکت شرکت خارجی طـرف قـرارداد بر مالکیت میادیـن نفتی موضوع قرارداد دارد.

تبصره بنـد «پ» ماده ۶ مصوبه هیأت وزیران «شرکت ملی نفت مجاز اسـت جهت بازپرداخت هزینه‌هـا و پرداخت حق‌الزحمـه، در صورتی که محصولات میدان‌های گاز طبیعـی در بازار داخل مصرف شـوند یا امکان صادرات آنها وجود نداشته باشـد از محل محصولات و یا عواید دیگر میدان‌ها نسبت به بازپرداخت هزینه‌ها و نیز پرداخت دستمزد تعهد و اقدام نماید»، به نوعی سـبب آثار وضعی بر مالکیت ملی دیگر میادیـن و در نتیجه آثار آن بر درآمدهای بودجه کشور خواهد شد.

سـرمایه‌گذاری شـرکت‌های خارجی در قالب ایـن قراردادهـا در نفت و گاز به نحوی اسـت که سـرمایه‌گذار مدعی مالکیـت و مدیریت بر نفت موجود در مخزن، چاه‌های حفرشـده، تأسیسات سرچاهی، تأسیسات و کارخانجات فرآورش نفت، زمین‌های مربوط و یا نفت استخراج‌شـده خواهد بـود و همچنین از آنجا که دربـاره بهره‌برداری از میادین کشف‌شده و توسعه‌یافته اجازه ثبت ذخایر نفت و گاز را در تراز دارایی‌های خود داراست عملا یا مالک و یا شـریک کشور در مالکیت این منابع خواهد بود و بدین جهت ماهیت این قراردادهای به ظاهر خدمتی، قرارداد مشارکت در تولید می‌باشد. بنابراین اینکه گفته شود این قراردادها سبب مالکیت بیگانگان بر مخازن نیست در ظاهر صحیح است اما در باطـن و اصل ماجرا، ثبـت محصول حاصل از مخزن یعنی نفت در لیست دارایی‌های شرکت‌های خارجـی و اختصاص ۵۰درصد نفت تولیدی از هر میدان به شرکت خارجی عملا شریک کردن وی در مالکیت اسـت و این مشابه قرارداد کنسرسیوم ۱۳۳۳ است که شرکت‌های خارجی طرف قرارداد مالک نفت در مخزن نبودند بلکه نفت در سر چاه به مالکیت آنها درمی‌آمده اسـت. آثار این موضوع آنگاه مشـخص خواهد شد که در بلندمدت بودن این قراردادها تأمل بیشتری شود که وقتی پس از حضور بلندمدت شرکت‌های خارجی و شراکت آنها در مالکیت نفت برداشـتی از میادین، میدان رو به افـول و اتمام حیات نهاد، مالکیت مخزن یا میدان خالی چه فایده‌ای خواهد داشت؟! پس این توجیه که مالکیت مخزن یا میدان منتقل نشده و اصل ملی شـدن حفظ شده است شعاری بیش نیست.

زحمت و سـختی اصلی در اکتشاف و توسعه است نه بهره‌برداری و تولید و بدین جهت، واگذاری بهره‌برداری و تولید یعنی تأمین منافع بخش خصوصی خارجی و داخلی روی پایه زحمات و مجاهدت‌های عناصر توانمند شرکت ملی نفت در میادینی که به فاز بهره‌برداری رسیده و در حال حاضر به کشور نفت می‌دهد.

۲- نقض قانون اساسی و قوانین بالادستی

با استناد به ماده ۳ قانون نفت مصوب ۱۳۹۰، نظـارت بر اعمـال حق حاکمیـت و مالکیت عمومـی بر منابع نفتی به عهده «هیأت عالی نظارت بر منابع نفتی» اسـت بنابراین نظارت بر پیش‌نویـس مصوب هیـأت دولت و متن قرارداد جدید نفتی تهیه‌شـده در وزارت نفت به جهت ارتباط و آثار مسـتقیم بلندمدت آن بر اقتصاد کشـور و منابع نفتی کشور و تایید آن نیز بر عهده این هیأت است که متأسفانه به فراموشی سپرده شده است. استناد کمیته بازنگری قراردادهای نفتی به قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب ۱۳۹۱(بند ۲ قسـمت ب ماده ۳ این قانـون دربـاره صـدور مجوز فعالیـت و پروانه بهره‌برداری برای اشخاص حقوقـی واجد صلاحیت برای اکتشـاف، توسـعه، استخراج و تولید از کلیه میادین نفت و گاز کشور) به طور آشکارا در تناقض با اصل ۴۴ قانون اساسی و سیاسـت‌های ابلاغی اصل ۴۴ توسط مقـام معظم رهبری مدظله‌العالی اسـت که سـرمایه‌گذاری، مالکیـت و مدیریت بنگاه‌ها و نهادهای عمومی غیردولتـی و بخش‌های تعاونـی و خصوصی را بر معادن بزرگ نفت و گاز مجاز ندانسته‌اند. از طرفی تصریـح بند ۱ قسـمت ب مـاده ۳ قانون مذکـور در ذکر لفظ «بخش‌های غیردولتی»، این نکته را به ذهن متبادر می‌سازد که با توجه به حاکمیت سیاسـت‌های اصل ۴۴ بر این قانون و اهتمام مجلس شـورای اسـلامی در مقام تصویب این قانون به سیاست‌های مذکور که در مقام تایید با دقت نظر بیشـتر شورای نگهبان نیز همراه بوده اسـت، اگر قانونگذار در بند۲ نیز بخش غیردولتی را مدنظر داشـت، حتما به آن تصریح می‌نمود لذا تفسیر این بند در جهت جواز واگذاری میادین نفت و گاز به شـرکت‌های خصوصی خارجی و داخلی یا فاقد اعتبار اسـت و یا در بهترین حالت، نیازمند استفساریه شورای نگهبان است که براساس اصل ۹۸ قانون اساسی، مسؤولیت تفسیر قانون اساسی را عهده‌دار است.

علاوه بر ایـن، قراردادهای مذکور در مغایرت با سیاست‌های کلی نفت و گاز، سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی (مواد ۱۴ و ۱۵)، سیاست‌های کلی اعمال حاکمیت و پرهیز از انحصار و سیاست‌های کلی برنامه ششم توسـعه بوده و ثمره‌اش افزایش وابسـتگی اقتصاد کشـور به بیگانگان، عدم تولید صیانتی، تـداوم و افزایش بلندمدت خام‌فروشـی و عـدم توجه به صنایع پایین‌دسـتی و عدم ایجاد زنجیـره ارزش افـزوده، تزلزل و عـدم مقاومت در برابر تکانه‌های اقتصادی دنیا و در نهایت اسـتحاله توانمندی داخلی در کمپانی‌های خارجی است.

۳- عدم تولید صیانتی در عمل

شرکت‌های خارجی و پیمانکارهای داخلی تحت سیطره آنها در پی افزایش منافع خویش و پیگیری سیاست‌های خویش هستند یعنی دنبال دلارهای بشکه‌های نفتی لذا دغدغه آنها بیشترین تولید است و از آنجا که مخازن کشـور به‌گونه‌ای است که در سـال‌های اولیه بهره‌برداری بیشترین شتاب را در دادن محصول دارد بالطبع شـرکت خارجی از این فرصـت و اهداف خویش به هیـچ عنوان در عمل نخواهد گذشت ولو اینکه در ظاهر و در متن قرارداد چنین تعهدی را متقبل شده باشد.

بنـد ث مـاده ۳ مصوبـه هیـأت وزیران «پذیرش دستمزد متناسب با شرایط و تولید اضافی ناشی از هر طرح برای ایجاد انگیزه در طرف دوم قـرارداد...» عملا مشوق تولید غیرصیانتی می‌باشد.

بند ب مـاده ۶ مصوبه هیأت وزیران درباره امتیاز تشـویقی تحـت عنـوان Fee Per Barrel نیـز مشوق تولید غیرصیانتی توسط شـرکت‌های خارجی طرف دوم قرارداد خواهد بود.

۴- نقض قاعده فقهی نفی سبیل

این قراردادها سـبب مسلط کردن کمپانی‌هـای خارجی تجربه پس داده در تحریم‌ها بـر اصلی‌ترین گلوگاه اقتصادی کشور و نقض قاعده فقهی نفی سـبیل که در اصول ۴۳، ۸۱ و ۱۵۳ قانـون اساسی مورد تأکید قرار گرفته است خواهد شد. در تبصره بند الف ماده ۱۱ مصوبه هیأت وزیران نیز به صراحت و وضوح شـرکت ملی نفت و شرکت‌های تابعه تحت سیطره کمپانی خارجی درآمده است: «دربـاره میدان‌ها یا مخزن‌هـای در حال تولید و بهره‌بـرداری، در صورتی که طرف اول برای مرحله بهره‌برداری، انجام عملیات بهره‌برداری را با مشارکت یکی از شرکت‌های تابعه خود ضروری دانسته و این موضوع به تایید وزارت نفت نیز برسـد، بین طرف دوم قرارداد و شرکت تابعه شرکت ملی نفت ایران، یک موافقتنامه عملیاتی مشترک امضا می‌شود. این عملیات با حفظ مسؤولیت پشتیبانی و نظارت کامل فنی، مالی، حقوقی و تخصصی طرف دوم قرارداد، همراه با تأمین تجهیـزات، قطعات و مواد مصرفی لازم توسط وی، به صورت مشترک انجام می‌شود. شـرکت تابعه ذی‌ربط موظف است در بهره‌برداری از تأسیسات موضوع قرارداد، کلیه دستورالعمل‌های فنی، حرفـه‌ای و برنامه‌های عملیاتـی طرف دوم قرارداد را رعایـت و اجرا نماید. در غیر این‌صورت، عدم اجرای عمدی اقدامات یادشده، نقض تعهدات قـراردادی توسـط طـرف اول قرارداد محسـوب می‌شـود.» یعنی شـرکت‌های تابعه شرکت ملی عمـلا در عملیـات بهره‌برداری و تولید یا نقشـی نداشته و یا در بهترین صورت کاملا تحت سیطره کمپانی خصوصی طرف دوم قرارداد خواهند بود و این بهترین سرنوشت پیش روی عناصر توانمندی خواهـد بود که در شـرایط تحریم بـدون نیاز به بیگانگان فرآیند بهره‌برداری و تولید میادین نفت و گاز را بدون وقفه تداوم بخشیدند.

۵ - بهانـه و توجیـه قراردادهای جدید بـا نیاز به سرمایه‌گذاری

وزارت نفـت یکی از ضرورت‌هـای قراردادهای جدید نفتـی را نیاز وزارت نفت بـه بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی جهت پیشبرد و تکمیل پروژه‌های نفتی اعلام کرده اسـت. سوال اینجاسـت که چگونه و به چه ترتیبی شرکت‌های خارجی نسـبت به ورود این سـرمایه کلان اقدام خواهند کرد؟

آنچه در کُنه موضوع و در لایه پنهان مشخص است اینکه کمپانی‌های بین‌المللی هیچگاه دست به چنین ریسـک مالی‌ای نخواهند زد بلکه با ورود سرمایه اندکی به کشور به مانند عراق و با توجه به زودبازده بودن بازگشت کل سرمایه و سود حاصله در کوتاه‌مـدت [۳ یا ۴ سـاله] نسـبت به گردش مجدد آن اقـدام خواهند نمود به‌گونه‌ای که جمع این گردش‌ها در طول ۲۵ تا ۳۳ سال و تمدید این مدت رقمی کلان خواهد شـد. راسـتی! آیا کشور خود توانمندی تأمین چنین ارقامی بـا چنین تدبیری را ندارد؟ ایـن قراردادها به‌گونـه‌ای طراحی شـده که شـرکت‌های خارجی با سرمایه ۵۰۰ میلیون دلاری نیز با تعهد سرمایه‌گذاری کلان به‌راحتی قادر به حضـور در آن خواهند بود چـون به محض تولیـد در میدان می‌توانند با پول‌های دریافتی از وزارت نفت و بشکه‌های نفتی با پول اندک خود گردش کلان ایجاد کنند.

اسـتدلال نیـاز به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نفت و گاز؛ از آنجا که نه در پیش‌نویس و نه در متن لاتین محرمانه قرارداد، ساز و کاری جهت تعیین اولویت واگذاری پروژه‌های نفـت و گاز در این قالب ذکر نگردیده است، این مغایر روح حاکم بر بند ۳ قسـمت «ت» ماده ۳ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت دربـاره امور سـرمایه‌گذاری و تأمیـن منابع مالی اسـت کـه تصریح نمـوده اسـت: «جـذب و هدایـت سـرمایه‌های داخلی و خارجی به منظور توسـعه میادین هیدروکربـوری با اولویـت میادین مشترک از طریق طراحی الگوهای جدید قراردادی از جمله مشارکت با سرمایه‌گذاران و پیمانکاران داخلی و خارجی بدون انتقـال مالکیت نفت و گاز موجـود در مخازن و با رعایت موازین تولید صیانت‌شده».

۶- ابهامات حقوقی

متـن پیش‌نویـس فارسـی قـرارداد کـه به تصویب هیأت وزیران رسـیده و توسط معاون‌اول رئیس‌جمهور ابلاغ شده و در حال حاضر در هیات تطبیق مجلس شـورای اسـلامی جهت تطبیق و همخوانی با قانون اساسـی مطرح است، انطباقی با متن لاتین قرارداد که کماکان محرمانه است نداشته و این خود در آینده تبعات حقوقی بسیاری خواهد داشـت و موجبات ظلم به حقوق نظـام را فراهم خواهد آورد.

شـاخصه انتخاب شـرکت خارجی و پیمانکار داخلی شـریک به عنـوان طرف دوم قـرارداد که در بنـد «ذ» ماده یک مصوبه هیـأت وزیران از آن به عنوان «شـرکت یا مشـارکتی از شـرکت‌های صاحب‌صلاحیت نفتی» یاد شـده، چیست؟ (این قراردادها برای طرف قرارداد همه‌اش سود است ولو اینکه پایین‌ترین قیمت‌ها را در مناقصه بدهند).

هـر قـرارداد از لحاظ حقوقی دو طـرف دارد. بالاخـره طرف دوم قرارداد با شـرکت ملی نفت یا شرکت‌های تابعه آن، کیست؟ نقش پیمانکار داخلی که قرار اسـت با شـرکت خارجی در قالب JOC مشارکت کند چیست؟ پول، هزینه و سود پیمانکار داخلی چگونه تأمین خواهد شد؟

چگونـه می‌توان از یک فرمت قـراردادی برای پروژه‌های مختلف در موضوعات مختلف و میادین مختلف بهره برد؟

اگـر کمپانی خارجـی دبّه کرد و در راسـتای تعهدات عمل نکرد چگونه می‌توان نسبت به خلع ید آن اقدام نمود؟

آیا تدبیری برای چنین شرایط اندیشیده شده کـه اگر نیاز به خلع ید بـود در دعاوی بین‌المللی ادعای خسارت‌های کلان نکند؟

اگر ذیل این قرارداد نیز فسادی مانند کرسنت کشف شد چه کسی پاسخگو خواهد بود؟ وزیر نفت؟ کمیته بازنگری قراردادها؟ هیأت وزیران یا...

۷- امتیـازات ویـژه به شـرکت‌های خارجی طرف قرارداد

نبود سقف تولید (برای مثال ۱۰۰ هزار بشکه را ۲۰ هزار بشکه‌ای می‌کند تا با اطاله زمان و دریافت پول آن میزان، دوباره گردش ایجاد کند و نشان دهد چقدر سرمایه آورده است).

باز بودن سـقف هزینه (Open Capex)؛ این موضوع به اسـتناد بندهای «ل» ماده یک و «ث» ماده ۸ مصوبه هیأت وزیران علاوه بر بار مالی فراوان آن بر وزارت نفت، با واگذاری فاز بهره‌برداری و تولید به شـرکت‌های خارجی سـبب خواهد شد هزینه تولید را گران محاسـبه کرده و درآمد کلانی از این راه کسب کنند.

دستمزدی تحت عنوان Fee Per Barrel که هزینه‌های گزافی را بر کشور تحمیل خواهد نمود و...

عـدم در نظر گرفتن مالیات برای طرف قرارداد و به نوعی معافیـت آن از پرداخت مالیات از دیگر امتیازات ویژه به طرف قرارداد است.

۸ - زمان قرارداد

ضـرورت قـرارداد بلندمدت ۲۵ تا ۳۳ سـاله و پیش‌بینی تداوم و تمدید آن را چه مرجع و نهادی تشخیص داده است تا چنین تعهد بین‌المللی برای چندین دولت آینده ایجاد شود؟

۹- پروژه‌های موضوع قرارداد

چند پـروژه نفتـی و در چه زمینـه‌ای واگذار خواهد شـد؟ پروژه‌های بالادستی یا پایین‌دستی؟ اگر پروژه‌های بالادسـتی در معرض واگذاری است با چه مجوزی؟ چند درصد از پروژه‌های بالادستی وزارت نفت؟ آیا این پروژه‌ها، پروژه‌های جدید است یا پروژه‌هـای موجود؛ مانند میادینی که توسـط توانمنـدی داخلی در حال بهره‌بـرداری و در مدار تولید است؟

با توجه به آثار و تبعـات بلندمدت قراردادهای مذکور بر امنیت ملی کشور و با استناد به اصول ۷۷، ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی ضروری است:

۱- مصوبه هیأت وزیران به همراه متن اصلی قرارداد (در دو نسخه لاتین و فارسی) پس از بررسی توسط هیأت تطبیق مجلس شورای اسلامی با لحاظ کردن اصلاحات ضروری مذکور، به تصویب مجلس شورای اسلامی رسانده شود.

۲- در صـورت تصویب، جهـت اجرا تحت نظارت «هیأت عالی نظارت بر منابع نفتی» (که با استناد به ماده ۳ قانون نفت مصوب ۱۳۹۰ مسؤولیت نظارت بر اعمال حق حاکمیت و مالکیت عمومی بر منابع نفتی را بر عهده دارد) به وزارت نفت ابلاغ گردد.

اشاره

برادر شاه چگونه زندگی تختی را تباه کرد؟

در تاریخ ایـران به‌رغم آنکه در طول نیم قرن اخیر، بسـیاری تلاش کرده‌اند در قامت جهان پهلوانی معاصر ظاهر شوند و با گرفتن ژست‌های مقطعی سیاسی و مردمی، همقد تختی شـوند اما هیچ‌کس نتوانست چون او ماندگار شـود و بعد از پوریای‌ولی و سـپس تختی، نامش را به کنار جهان پهلوانان پیوند دهـد. درباره اینکه چرا قهرمانانی که پس از او بودند، در حد او نشدند؛ بسیاری نوشته‌اند و حتی نویسنده‌ای خوش‌قلم نگاشته بود که اگر تختی زنده بود، امروز خانه‌نشینی بیشتر نبود و نابودش کرده بودند. اما آیا قهرمانانی که مردند و به نابودی نرسـیدند، اسطوره‌ای در حد تختی شـدند و سـی و اندی شـب سالشان، ولوله‌ای به پا شد؟ چرا چنین نشد؟

غلامرضـا تختـی نـه فقـط بـرای میانکوب‌هـای کشـنده، سـگ‌های خردکننـده‌اش یـا نگرفتن پـای رقیب، یا بـازی نکردن در فیلم‌فارسـی‌های دورانش، نه بـرای ادبش و حتـی نپریدنش از جویی به واسطه آنکه خود را الگو می‌پنداشت و نه فقط برای راه افتادن در شهر برای گردآوری کمک از سطح شهر برای هموطنان زیر آوار مانده‌اش، تختی شـد، بلکـه تختی، تختی شـد، چون آزاده ماند و چنان سرکشی کرد که هرچه شـاهبازها کوشـیدند، نتوانستند لگام اسـتبداد را بر وی ببندند و در آخر به خیال خودشان منزوی‌اش کردند تا هنگامه درنوردیدن رگ‌هایش توسط شوکران مرگ. تن تختی مرد و در قبرستان ابن‌بابویه دفن شد و پس از چندین دهه وعده، هنوز مزاری در شأنش جز یک اتاقک بنا نشده اما نامش ماند و می‌ماند تا تاریخ مردان بزرگی که همه چیزشان را فدای عزت کردند، هیچ‌گاه از یاد نبرد.

حال از تختی عکسی منتشر می‌شود که تاکنون در آرشـیوهای شخصی مانده بود و مستند نبودنش باعث شده بود حتی عده‌ای شایعه بخوانندش. روزی که غلامرضا پهلوی برادر بزرگ‌تر محمدرضا پهلوی شاه مخلوع ایران به سالن کشتی آمد و تختی در عوض ارادت و خم شدن مقابل برادر شاه، به مردم اقتدا کرد و این بخشـی از حملاتی بود که عضو وقت جبهه ملی به شاه کرد. اما برخلاف دیگر گزارش‌ها، این یکی در اسـناد ساواک نیامده بود تا در چهل و چهارمین سـالگرد درگذشـت تختی، این واقعیت که شجاعت پهلوان را در آن دوران به نمایش می‌گذارد، به اثبات برسد.

ابراهیم افشار در این باره می‌نویسد: «اگر قرار باشد در تاریخ یکصد ساله ورزش ایران، که میلیون‌ها عکـس و تصویر از رخدادها و شـخصیت‌های موجود در آن بـه جا مانده اسـت فقط ۳-۲ تا عکـس تاریخی انتخاب کنیم، یکی‌اش همین اسـت. همین عکس بی‌نظیری که تمام حقایق سیاسـی زندگی تختی را به تنهایی بر دوش می‌کشد. همین صحنه‌ای که باعث شد بسیاری از نویسندگان دهـه ۵۰ و همدوره‌ای‌هـای تختـی، آن را بـه عنوان آغازگر رو در رویی‌های سیاسـی پهلوان بزرگ مـا تلقی کنند و دق دلی این غلامرضا را بر سر آن یکی غلامرضا (پهلوی) بکوبند.

ادبیات حماسی (شفاهی و مکتوب) آنها همیشـه بر این مبنا بوده که اختلاف اصلی تختی و رژیم، با این صحنه شـروع شد که وقتی غلامرضا وارد سـالن شـد هنگامه‌ای به پـا شـد و مـردم آن یکـی غلامرضا را تحویـل نگرفتنـد و او کینه ایـن صحنه را به جان گرفت. این تصویر مسـتند، یکی از عجیب‌ترین صحنه‌های زندگی تختی است که بعدهـا حقایـق اتفاقات، بلایـا و حتی شایعه‌های بسیاری را در زندگی‌اش رقم زد.

در ایـن صحنه، تختی به ملتش تعظیم می‌کنـد و حسـین‌پور (که تختـی او را به نام محمدحسـن صدایش می‌کرد) با لباس داوری دیـده می‌شـود.» و اینگونـه تختی، تختی شـد و همرهان غالباً سست عنصرش که برخی‌های‌شان بیش از او وزن مدال‌های آویخته بر گردنشان بود، تختی نشدند. تختی مظلوم زیسـت و روزهایی کـه او را به پاس آزادی‌اش به سالن کشتی هم راه نمی‌دادند و رفقایش نفس‌شـان در نمی‌آمد، نمودی از این مظلومیت آزادمردان برای آیندگان بود.

۰۹۲۰۳۰۳۳۹۳۰
ارتباط با ما در شبکه‌های اجتماعی